

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم
تاریخ: ۳ اسفند ۱۳۹۵
مصادف با: ۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۸
جلسه: ۴۴

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم

اجمالاً معنای صراط مستقیم با توجه به مقدماتی که گفته شد معلوم گردید و وعده دادیم درباره اصحاب صراط مستقیم و ویژگی‌های آنان نکاتی را عرض کنیم.

به طور کلی آنچه از آیات و مجموع روایات بدست می‌آید و با توجه به ویژگی‌هایی که برای صراط مستقیم گفتیم معلوم می‌شود، رهروان صراط مستقیم و اصحاب صراط مستقیم در یک مرتبه و درجه خاصی و منزلت ویژه‌ای قرار دارند یعنی حتی از مؤمنین خالص هم برتر هستند کسانی که در این طریق قرار دارند و برای ما به عنوان شاخص باید قلمداد شوند، اینها یک موقعیت خاصی دارند. مؤمنین و کسانی که بطور کلی قلب و عمل آنها به دور از ظلم و شکر و ضلالت است، می‌توانند با اصحاب صراط مستقیم، رفاقت پیدا کنند. در بعضی از آیات قرآن این مطلب بیان شده است که مؤمنین با همه فضیلت‌هایی که دارند راه برای ارتقاء آنها باز است تا به سوی اصحاب صراط مستقیم حرکت کنند.

وصف کلی

در قرآن از اصحاب صراط مستقیم به «الذین انعم الله علیهم» تعبیر شده است، در سوره حمد هم بعد از صراط مستقیم می‌فرماید «صراط الذین انعمت علیهم»، این صراط مستقیم است و مربوط به کسانی است که خداوند به آنها انعام کرده است و نعمت‌های ویژه و رحمت خاصی و از جمله علم به آنها داده شده است.

۱. علم الهی

در آیه «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۱، می‌فرماید، خداوند متعال کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی که به آنها علم داده شده، به درجاتی بالا می‌برد، «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» غیر از «الَّذِينَ آمَنُوا» است، آنهایی که به آنها علم داده شده است، نمی‌گویند، «الذین آمنوا و الذین علموا»، کسانی که ایمان آوردند و کسانی که علم دارند، می‌گویند «الذین اوتوا العلم» نشان می‌دهد علمی که به این گروه داده شده است علمی نیست که به صورت عادی تحصیل شده است بلکه علمی است که به عنوان یک نعمت خاص از طرف خداوند به آنها داده شده است، یعنی یک نعمت علمی که به آنها افزوده شده است، اینها در یک درجات بسیار بالا و رفیعی هستند، بنابر این اصحاب صراط

۱. سوره مجادله: آیه ۱۱.

مستقیم بر طبق بعضی آیات همان کسانی هستند که «الذین انعمت علیهم»، نعمت شرح صدر، علم خاص و برای همین است که قطعاً آنها به مقصد می‌رسند و اگر کسی می‌خواهد به مقصد برسد باید به آنها متمسک شود.

بر این اساس مؤمنین، خالصین از مؤمنین، کسانی که حتی قلب و دل و روح آنها از آنها و نقصهایی که در سبیل وجود دارد خالی است، اینها ظرفیت و امکان بالا رفتن دارند، یعنی ما نباید گمان کنیم چون اصحاب صراط مستقیم یک عده خاصی هستند و سایرین با آنها فاصله دارند، پس امکان رفعت و اخذ درجات بالاتر برای آنها نیست، همه مؤمنین، حتی کامل‌ترین و مخلص‌ترین آنها امکان کسب فضایل برتر و اخذ درجات عالی‌تر را در مسیر کمال دارند.

۲. شرح صدر

در آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعْدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۱، می‌فرماید هر که را که خدا بخواهد هدایت کند سینه او را برای اسلام گشاده می‌سازد و هر که را خدا بخواهد گمراه کند سینه او را تنگ و کم ظرفیت قرار می‌دهد، شرح صدر همان است که بدون درخواست از ناحیه پیامبر اسلام(ص) به او داده شد ولی حضرت موسی(ع) از خدا طلب کرد، اما در مورد پیامبر می‌فرماید «الم نشرح لك صدرك» بدون درخواست، خداوند این شرح صدر را به او داد، یعنی این ظرفیت و قابلیت روحی برای فهم حقایق و درک معارف و نورانیتی که در معارف است را به او داد و این در واقع بر طبق اراده الهی بود چون می‌خواست او هدایت شود، در آخر این آیه می‌فرماید «و هذا صراط ربك مستقيما» این صراط مستقیم پروردگار تو می‌باشد، آنهایی که شرح صدر ندارند، یعنی قلب آنها آمادگی دریافت حقیقت را ندارد، لذا خداوند رجس و پلیدی را بر آنها مسلط می‌کند، اما آنهایی که خداوند بخواهد هدایت کند به آنها شرح صدر می‌دهد، و پیامبر و آن کسانی که «الذین اتوا العلم درجات» این شرح صدر را پیدا کرده‌اند، لذا هر کس به هر میزانی این شرح صدر را پیدا کند به این صراط نزدیک‌تر می‌شود.

پس یکی از ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم این شرح صدر در حد اعلی است.

پس اصحاب صراط مستقیم کسانی هستند که «الذین انعم الله علیهم» خداوند به آنها نعمت‌هایی داده است، یکی از این نعمت‌ها «اتوا العلم درجات» است، دیگری «شرح صدر» می‌باشد، اینها یک ویژگی‌هایی است که خداوند به طور خاص و از باب رحمت خاص به اصحاب صراط مستقیم اعطاء کرده است و آنها را در یک موقعیت و مرتبه خاصی قرار داده است که دیگران باید با نگاه به آنها تلاش کنند، این ظرفیت و شرح صدر را بیشتر کنند تا به آنها نزدیک شوند، و راه برای آنها بسته نیست، این مهم است که اگر ما از خداوند هدایت به صراط مستقیم را می‌خواهیم حد ندارد و راه بسته نیست، اگر اصحاب صراط مستقیم در یک موقعیت و منزلت و رتبه و درجه خاصی هستند، اما راه این برای ما باز است، حال ما این ظرفیت و توان را نداریم که به آنجا که آنها رسیدند برسیم، ولی هر چه تلاش کنیم راه برای

۱. سوره انعام: آیه ۱۲۵.

نزدیکتر شدن به آنها وجود دارد، حد یقف ندارد، خالص‌ترین و مؤمنین هم که به نظر ما در مراتب عالی بندگی و توحید هستند، آنها هم هرچه تلاش کنند برای آنها زمینه فراهم هستند تا به آن اصحاب نزدیک شوند.

همراهی مؤمنین با اصحاب صراط مستقیم

پس وضعیت اصحاب صراط مستقیم معلوم است و دیگران هم اگر از خداوند درخواست هدایت به صراط مستقیم می‌کنند، معنایش این است که به صراط کسانی با این ویژگیها و اصحاب صراط مستقیم نزدیک شوند و این حد یقف ندارد و می‌توانند در این مسیر حرکت کنند، آیه «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱ بر این مطلب دلالت می‌کند، می‌فرماید: کسی که اطاعت از خدا و رسول کند، «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ» نمی‌گوید اینها از آن گروه هستند، این‌ها با کسانی که خداوند انعام به آنها کرده است همراه هستند، و آنها «مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»، که آنها نیکو رفیقانی هستند، انبیاء صدیقین، شاهدین، صالحین، اینها کسانی هستند که «انعم الله علیهم»، ولی خود اینها هم در یک رتبه نیستند، کسانی که ایمان می‌آورند، و اطاعت از خدا و رسول می‌کنند، اینها در یک مرتبه پایین‌تر از اصحاب صراط مستقیم هستند، این‌ها با اصحاب صراط می‌توانند همراه شوند و آنها رفیقان خوبی هستند، در این آیه مزیتی که برای مؤمنین ثابت قدم قرار داده است همراهی با رفیقان نیکو است، از خود اینها با اینکه مؤمن هستند و اطاعت خدا و رسول می‌کنند، به عنوان «انعم الله علیهم» یاد نشده است، ولی یک موقعیت خاصی دارند که می‌تواند با اصحاب صراط همراه باشند، اطاعت و ایمان و خلوص و عبادت آنها از شرک و ظلم و ضلالت به دور است و هیچ‌کدام از این نقصها را ندارد ولی بازهم وقتی به این مرحله می‌رسند تازه قابلیت این را پیدا می‌کنند تا با کسانی که خداوند به آنها انعام کرده رفیق و همراه شوند و «حسن اولئک رفیقاً»، اینها با «الذین انعم الله» همراه شوند که اینها رفیقانی نیکو برایشان هستند.

۳. اطمینان از وصول به مقصد

کسانی که در صراط مستقیم هستند، لزوماً به مقصد می‌رسند، یعنی در رسیدن به مقصد به هیچ وجه تخلفی در مورد آنها نیست اما برای دیگران اینگونه نیست، عدم تخلف در وصول به مقصد از آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسُيِّدْ خُلُوبُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۲، استفاده می‌شود آنهایی که به خدا ایمان آوردند و از او خواستند تا خدا آنها را حفظ کند، خداوند در آینده نزدیک، یعنی به زودی آنها را داخل رحمت خاصی از رحمت‌ها و فضل خود می‌کند و هدایت می‌کند آنها را به سوی صراط مستقیم، اگر کسی به این راه و در این طریق قرار گرفت امکان ندارد که به مقصد نرسد.

خروج از سلطه شیطان

۱. سوره النساء: آیه ۶۹.

۲. سوره النساء: آیه ۱۷۵.

یکی دیگر از ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم عدم سلطنت شیطان بر آنان است. «قال هذا صراط علی مستقیم ان عبادی لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوین»^۱، می‌فرماید این صراط مستقیم من است و من خودم را به آن ملزم کرده‌ام، بندگان من کسانی هستند که تو نمی‌توانی بر آنها سلطه پیدا کنی، «الا من اتبعک من الغاوین» مگر آن گمراهانی که خود به اختیار خویش پیروی تو را پذیرفته و می‌پذیرند، خروج از سلطنت شیطان، از ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم است، سلطنت به معنای قدرت بر تصرف به هر نحوی که بخواهیم، مثلاً روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» یعنی مردم نسبت به آنچه که مملوک آنها است به هر نحو که بخواهند می‌توانند تصرف کنند، سلطنت بر مال یعنی تصرف در مال، حال این سلطنت یا خارجی یا اعتباری است، مثل پوشیدن یا خوردن، یا فروختن، سلطنت بر شیئی یعنی قدرت بر تصرف در آن شیئی، وقتی سخن از سلطنت شیطان بر انسان پدید می‌آید یعنی قدرت تصرف شیطان در انسان، در این آیه می‌فرماید «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان» یعنی تو سلطنت بر آنها و قدرت تصرف در اینها نداری مگر کسانی که تو را پذیرفته و تسلیم تو شده‌اند، پس یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصحاب صراط خروج از سلطنت شیطان است، ما تحت سلطه شیطان هستیم، به این معنا که شیطان قدرت بر تصرف در ما دارد، به این نحو که آنچه که اراده اوست عمل می‌شود و ما تسلیم شویم، یک عبد مملوک مالک خود است، مولی به عنوان اینکه او مملوک است بر او سلطنت دارد، یعنی به امر و نهی او حرکت می‌کند، می‌نشیند، می‌ایستد، چون مملوک او است و لذا قدرت در تصرف در او دارد، ولی عمده این است که رابطه عبد و مولی، رابطه اطاعت است، اگر هم اطاعت نکند عاصی می‌شود، فرمان‌بری ویژگی سلطنت مولی بر عبد است، بسیاری از انسانها تحت سلطه شیطان هستند، یعنی شیطان قدرت تصرف در آنها دارد، و تصرف شیطان به این معنا می‌باشد، در هر لحظه، در هر خاطری از خطورات ذهنی، در هر گفتار و کردار و عمل و سکون، این قدرت را دارد که تصرف کند، شیطان بنا بر آیه‌ای که جلسه قبل خواندیم، می‌گوید: من از ظلم و شرک اینها بیزار هستم، اینها خودشان ظلم کردند و عذاب الیم برای ظالمین ثابت است، و در آیه دیگری می‌گوید: من دعوت کردم و کاری جز دعوت نداشتم، ولی این دعوت برای همه است، هیچ‌کس از این دعوت مصون نیست إلا خواص از بندگان خدا، اما کسی که این دعوت را می‌پذیرد یعنی شیطان بر او مسلط شده است، یعنی قدرت بر تصرف در زوایای مختلف روح و فکر و قلب و رفتار او پیدا کرده است، در هر لحظه‌ای امکان این نفوذ وجود دارد، لحظه به لحظه شیطان این تصرف را می‌کند، لذا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم این است که از سلطه شیطان خارج می‌شوند، اما در سبب الهی خطر سلطه پذیری نسبت به شیطان وجود دارد، برای همین است که خداوند متعال می‌فرماید: «قال هذا صراط علی مستقیم» این صراطی است که به سوی من و مستقیم است، «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان»، بندگان واقعی من که در این مسیر هستند، اساساً تو هیچ سلطنتی بر آنها نداری، ولی آن گمراهی که خودش اختیاراً پیروی تو را بپذیرد قهراً تحت سلطنت و سلطه تو می‌باشد.

۱. سوره حجر: آیه ۴۱-۴۲.

خلاصه

پس اگر بخواهیم خلاصه‌ای از ویژگی‌های اصحاب صراط مستقیم را بگوییم، چند ویژگی برای این اصحاب با توجه به معنای صراط مستقیم می‌توانیم بگوییم:

۱. اصحاب صراط مستقیم تحت سلطنت شیطان نیستند.

۲. اصحاب صراط مستقیم حتماً به مقصد می‌رسند.

۳. اصحاب صراط مستقیم شرح صدر دارند، یعنی ظرفیت روحی بالایی برای درک حقایق و معارف و علم دارند.

۴. اینکه نعمت علمی خاصی دارند، یعنی از نظر علمی در یک مرتبه خاص و ویژه‌ای هستند.

حال می‌توانیم با این میزان بسنجیم و ببینیم چقدر با اصحاب صراط مستقیم فاصله داریم، بدانیم آیا شیطان بر ما سلطنت دارد یا ندارد، آیا با این مسیری که ما طی می‌کنیم به مقصد می‌رسیم یا نه، آیا شرح صدر داریم یا نه، شرح صدر ظرفیت فهم حقایق را به انسان می‌دهد و کسی که ظرفیت فهم حقایق را داشته باشد ظرفیت رفتار صحیح با دیگران را نیز پیدا می‌کند، آدمی که از درک معارف ناقص باشد در برخورد با دیگران نیز دچار مشکل می‌شود. به دیگران به دیده رحمت و محبت و شفقت نگاه نمی‌کند، به دیگران با دیده دلسوزی نگاه نمی‌کند، به دیگران نگاه انتقام و غضب و کینه دارد، در جایی که باید اهل عفو و گذشت و تغافل و اغماض باشد نیست، یعنی یک نقصی در دریافت حقایق در او هست که در رفتار او جلوه کرده است، کسی که دین را به معنای واقعی دریافت کند، اگر درست دریافت کند، باور و گفتار و رفتار او تصحیح می‌شود.

در آیه «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَيِّمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱، بگو: خداوند و پروردگارم مرا به صراط مستقیم هدایت کرد، بعد از صراط مستقیم می‌گوید دین قائم، دینی که ایستاده، و دیگران را به ایستادگی و می‌دارد، هم خود ایستاده است و هم دیگران را دعوت به ایستادگی می‌کند، «مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»، حنیف به کسی گفته می‌شود که در متن راه حرکت می‌کند و در مقابل آن جنیف است به معنای کسی که گرایش به چپ و راست دارد. دین ابراهیمی همان صراط مستقیم است، همان که در متن راه است، کسی که با این دین زندگی کند، حقایق دینی را آن‌طور که باید دریافت کند، حتماً به مقصد می‌رسد و حتماً به مقصد می‌رساند، حتماً شرح صدر دارد و حتماً به دیگران شرح صدر می‌آموزد حتماً ظرفیت روحی بالایی دارد و دیگران را هم به تحمل و می‌دارد، هم در سطح عقاید و هم در سطح اخلاق و هم در سطح اعمال و آنچه که به رفتار آدمی بر می‌گردد.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

^۱ . سوره انعام: آیه ۱۶۱.